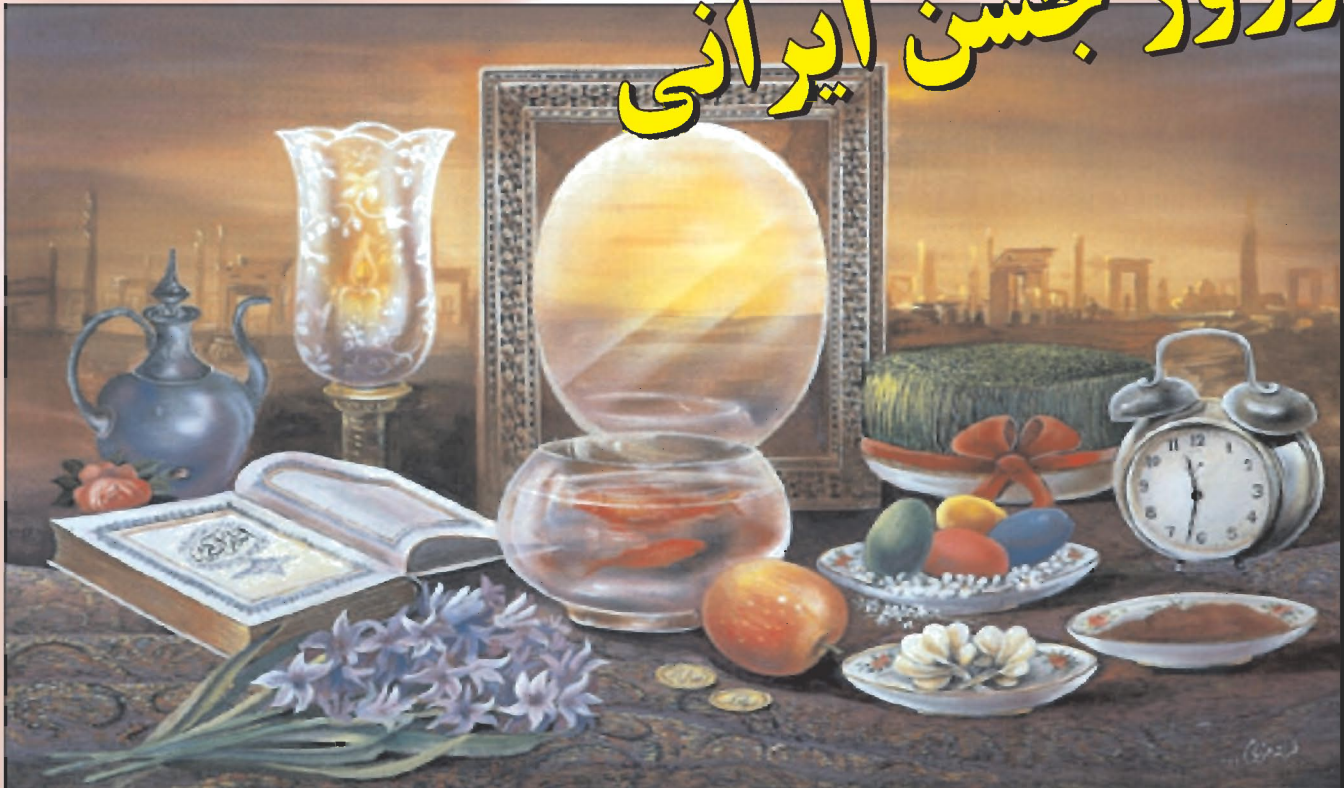


نوروز جشن ایرانی



نشست و به سوی جنوب رفت ، به حرب دیوان و سیاهان ، و با ایشان حرب کرد و همه را مقهور ساخت.

و سرانجام خیام می نویسد که « جمشید به مناسبت باز آمدن خورشید به برج حمل [هر یک از دوازده حصه منطقه البروج، که اسامی آنها از این قرار است: ۱- حمل ۲- ثور ۳- جوزا ۴- سرطان ۵- اسد ۶- سنبله ۷- میزان ۸- عقرب ۹- قوس ۱۰- جدی ۱۱- دلو ۱۲- حوت] قدما برای هر یک از برج های دوازده گانه فلکی (منطقه البروج) قوه فاعله و منفعله قائل بودند ، یعنی آن ها را گرم و سرد یا خشک و تر می پنداشتند، به همین جهت دوازده برج را به چهار دسته ، آبی ، آتشی ، بادی و خاکی تقسیم کرده بودند، که هر سه برج، به یکی از این تقسیمات تعلق دارد. برج های آبی: برج هایی که دارای مزاجی سرد و ترند: سرطان، عقرب و حوت. برج های آتشی: برج هایی که دارای مزاجی گرم و خشک اند: حمل، اسد و قوس. برج های بادی: برج هایی که دارای مزاجی گرم و ترند: جوزا، میزان و دلو. برج های

محمد بن جریر طبری نوروز را سر آغاز دادگری جمشید دانسته است : « جمشید علما را فرمود که آن روز که من بنشستم به مظالم ، شما نزد من باشید تا هر چه در او داد و عدل باشد بنمایید ، تا من آن کنم. و آن روز که به مظالم [مجلسی که به شکایت مردم در باب ظلم هایی که بدانان شده، رسیدگی می شده] نشست، روز هرگز بود از ماه فروردین ؛ پس آن روز رسم کردند.»

ابوریحان بیرونی، پرواز کردن جمشید را آغاز جشن نوروز می داند: «چون جمشید برای خود گردونه بساخت ؛ در این روز بر آن سوار شد ، و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر به شگفت شدند پس این روز را عید گرفته و برای یادبود آن روز تاب می نشینند و تاب می خورند.»

به نوشته گردیزی: « جمشید جشن نوروز را به شکرانه این که خداوند گرما و سرما و بیماری و مرگ را از مردمان گرفت و سیصد سال بر این جمله بود ، برگزار کرد » و هم در این روز بود که جمشید بر گوساله ای

در ادبیات فارسی جشن نوروز را مانند بسیاری از آیین های دیگر ، رسم ها ، فرهنگ ها و تمدن ها به نخستین پادشاهان نسبت داده اند. شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری چون فردوسی، منوچهری، عنصری، بیرونی، طبری، مسعودی ، ابن مسکویه ، گردیزی و بسیاری دیگر که منبع تاریخی - اسطوره ای آنان بی گمان ادبیات پیش از اسلام بوده، نوروز و برگزاری جشن نوروز را از زمان پادشاهی جمشید می دانند، چنانچه فردوسی می گوید:

از آن بر شده فره بخت اوی
جهان انجمن شد بر تخت اوی
مر آن روز را روز نو خواندند
به جمشید بر گوهر افشاندند
بر آسوده از رنج تن، دل ز کین
سرسال نو هرگز فرودین
بر آن تخت بنشست فیروز روز
به نوروز نو شاه گیتی فروز
می و رود و رامشگران خواستند
بزرگان به شادی بیاراستند

خاکی: برج هایی که دارای مزاجی سرد و خشک اند: ثور، سنبله و جدی.]. ، نوروز را جشن گرفت: سبب نهادن نوروز آن بوده است که آفتاب را دو دور بوده ، یکی آنکه هر سیصد و شصت و پنج شبانه روز به اول دقیقه حمل باز آمد و به همان روز که رفته بود بدین دقیقه نتواند باز آمدن ، چه هر سال از مدت همی کم شود ؛ و چون جمشید ، آن روز دریافت، (آن را) نوروز نام نهاد و جشن و آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند.»

در خور یادآوری است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می شده و ابوریحان نیز با آنکه جشن را به جمشید منسوب می کند ، یادآور می شود که ، آن روز را که روز تازه ای بود، جمشید عید گرفت ؛ اگر چه پیش از آن هم نوروز ، بزرگ و معظم بود.

آغاز سال

گذشته از ایران ، در آسیای صغیر و یونان، برگزاری جشن ها و آیین هایی را در آغاز بهار سراغ داریم. در منطقه لیدی بر اساس اسطوره های کهن، به افتخار سی بل، الهه باروری و معروف به مادر خدایان، و الهه آتیس، جشنی در هنگام رسیدن خورشید به برج حمل و هنگام اعتدال بهاری، برگزار می شد. مورخان از برگزاری آن در زمان اگوست شاه در تمامی سرزمین های یونان و لیدی و آناتولی خبر می دهند. بویژه از جشن و شادی بزرگ در سه روز ۲۵ تا ۲۸ مارچ (۴ تا ۷ فروردین)

صدرالدین عینی درباره برگزاری جشن نوروز در تاجیکستان و بخارا (ازبکستان) می نویسد: «... به سبب اول بهار، در وقت به حرکت در آمدن تمام رستنی ها، راست آمدن این عید، طبیعت انسان هم به حرکت می آید. از این جاست که تاجیکان می گویند: حمل، همه چیز در عمل. در حقیقت این عید به حرکت آمدن کشت های غله، دانه و سرشدن (آغاز) کشت و کار و دیگر محصولات زمینی

است که انسان را سیر کرده و سبب بقای حیات او می شود.

وی در جای دیگر می گوید: در بخارا «نوروز» را که عید ملی عموم فارسی زبانان بوده، بسیار حرمت می کردند. حتی ملای های دینی این عید را که پیش از اسلام، عادت ملی بوده و بعد از مسلمان شدن هم آن را ترک نکردند ، حتی رنگ دینی اسلامی داده و از وی فایده می بردند. ولی برگزاری شکوهمند و همگانی این جشن در دستگاه های حکومتی و سازمان های دولتی و غیر دولتی و در بین همه قشرها و گروه های اجتماعی، بی گمان، از ویژگی های ایران زمین است که با وجود جنگ و ستیزها، شکست ها و دگرگونی های سیاسی، اجتماعی، اعتقادی علمی و فنی، از روزگاران کهن پا برجا مانده و افزون بر آن به جامعه ها و فرهنگ های دیگر نیز راه یافته است؛ در مقام مقایسه، امروز جامعه و کشوری را با جشن و آیین چندین روزه ای که چنین همگانی و مورد احترام و باور خاص و عام، فقیر و غنی، کوچک و بزرگ و بالاخره شهری و روستایی و عشایری باشد، سراغ نداریم.»

مقدمات و آئین های نوروزی

مردم شناسان را عقیده بر این است که محاسبه آغاز سال، در میان قوم ها و گروه های کهن، از دوران کشاورزی، همراه با مرحله ای از کشت یا برداشت بوده و بدین جهت است که آغاز سال نو در بیشتر کشورها و آیین ها در نخستین روزهای پائیز، زمستان و یا بهار می باشد.

نخستین محاسبه فصل ها، بی گمان در همه جوامع، با گردش ماه که تغییر آن محسوس تر و عینی تر بود، صورت گرفت؛ اما به علت نارسایی ها و ناهماهنگی هایی که تقویم قمری، با تقویم دهقانی داشت، محاسبه و تنظیم تقویم بر اساس گردش خورشید انجام شد.

سال در نزد ایرانیان همواره دارای فصل نبود، زمانی شامل دو فصل: زمستان ده ماهه و تابستان دو ماهه؛ زمانی دیگر تابستان هفت ماه (از فروردین تا آبان) و زمستان پنج ماه (از آبان تا فروردین) بود و سرانجام از زمانی نسبتاً کهن به چهار فصل سه ماهه تقسیم شد. گذشته از ایران: «سال و ماه سعدی ها، خوارزمی ها، سیستانی ها در شرق و کاپادوکی ها و ارمنی ها در مغرب ایران، بدون کم و زیاد همان سال و ماه ایرانی است.»

آغاز سال ایرانیان، هر چند زمانی دستخوش تغییر گردید ولی حمزه اصفهانی در کتاب «سنی ملوک الارض و الانبیاء» و ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» می گویند که آغاز سال ایرانی، از زمان خلقت انسان (یعنی ابتدای هزاره هفتم از تاریخ عالم) روز هرمز از ماه فروردین بوده یعنی وقتی که آفتاب در نصف النهار، در نقطه اعتدال ربیعی و طالع سرطان قرار می گرفت.

جشن نوروز این بزرگترین جشن ملی اقوام آریایی آداب و مراسم خاص خود را دارد که از گذشته ها تا امروز در در قلمرو آریانای کهن با تفاوت های اندک ولی در اساس به صورت مجموعه ای از سنن هم آهنگ و یکسان اجرا می شود. اگر چه مراسم جشن نوروز و آئین های نوروزی از آخرین هفته برج حوت آغاز و به تاریخ ۱۳ حمل با اجرای مراسم سیزده بدر خاتمه می یابد، مگر مردم ماه حوت را در شمار روز های مقدماتی جشن نوروز به شمار آورده از همان آغاز آماده می شوند. این آمادگی شامل: خانه تکانی، خرید لباس نو، تهیه شیرینی و میوه جات خشک، شستن فرش ها، رنگ مالی خانه ها، درست کردن سبزه است و سبزه سمنو. همچنان که تهیه مواد و لوازم سفره هفت سین و اجرای مراسم چهارشنبه سوری را می توان در زمره مقدمات و آئین های نوروزی به حساب آورد.